



## چهار اصل در نظریه ابتناء / معرفت دینی در عصر ما دچار انسداد است

در نشست نقد و بررسی نظریه ابتناء که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی برگزار شد، آیت الله رشاد به تبیین نظریه خود در مورد روش فهم دینی پرداخت.

در نشست نقد و بررسی نظریه ابتناء که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی برگزار شد، آیت الله رشاد به تبیین نظریه خود در مورد روش فهم دینی پرداخت.

به گزارش **خبرنگار مهر**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی در ادامه سلسله کرسی های نقد و مناظره خود نشست «نقد نظریه ابتناء» را روز گذشته با حضور آیت الله علی اکبر رشاد رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار کرد. در این جلسه علیرضا قائمی نیا، مهدی فیض، عبدالله نصری و محمد عرب صالحی به عنوان منتقد حضور داشتند.

در ابتدای جلسه آیت الله رشاد با بیان اینکه نظریه ابتناء دارای دو کارکرد است گفت: این نظریه در چند حوزه معرفتی می تواند جایگاه داشته باشد. یکی در حوزه فلسفه دین که روش شناسی فهم دین را در این حوزه قلمداد می کنیم و به این پرسش پاسخ می دهد که در چه صورتی فهم درست یا نادرست از دین به دست می آید؟ همچنین مبانی تنظیم یک دستگاه روشگانی برای فهم دین را توضیح می دهد. لذا نظریه ابتناء می تواند مبانی یک دستگاه روشی را برای فهم دین توضیح دهد.

وی گفت: در نگاه دیگر این می توان این گونه فرض کرد که معرفت هایی از دین تولید شده است. اما آیا این معرفت ها از حجت برابر برخوردار هستند؟ این نظریه می خواهد بگوید چنین نیست. یکی از مسائل اساسی که در حوزه معرفت شناسی دین مطرح است این است که در خصوص معرفت دینی تنوع وجود دارد و دستگاه های مختلفی به عنوان معرفت دینی پدید آمده است.

### چه چیزهای موجب تطور و تحول معرفت می شود؟

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ادامه داد: یکی از مباحث اصلی مباحث فلسفه دین بحث تحول است. اینکه چه چیزهای موجب تطور و تحول معرفت می شود؟ ارائه نظریه تحول در حوزه معرفت یکی از مباحثی است که اگر روزی به مثابه یک دانش شکل بگیرد از آن به عنوان فلسفه معرفت دینی نام برده می شود. یکی از مباحث اصلی فلسفه معرفت دین نظریه تحول است. هر کس ممکن است نظریه تحول را به نحوی تبیین کند. این نظریه با نگاه خود این مسئله را تبیین می کند.

### معرفت برآیند یک فرآیند است

وی گفت: اصل نظریه بر چهار اصل مبتنی است. مبنای اول این است که معرفت برآیند یک فرآیند است. فرآیندمندی تکون معرفت و برآیندوارگی معرفت دینی است. معرفت این گونه نیست که مثل اشراق جرقه ای بخورد بلکه به تدریج تکون پیدا می کند و فرآیندی را طی می کند و برآیند طی یک فرآیند است.

### عناصری که در فرآیند تکون معرفت تاثیر می گذراند

وی ادامه داد: اصل دوم این است که سازوکارهایی که در این فرآیند در تکون معرفت تاثیر می گذراند گوناگون اند. می توان گفت که پاره ای از عناصر دخیل در تکون معرفت عناصری هستند که حقا در تکون معرفت دخیل هستند و دخالت آنها نیز به حق است. مثلا دستاوردهای عقل لاجرم در تکون معرفت آدمی موثر است. در معرفت دینی با نگاه ما این به حق است که عقل را در معرفت دینی لحاظ کنیم، بر عکس اشعری ها یا گرایشات ایمان گرایانه که عقل را دخالت نمی دهند.

وی ادامه داد: پاره ای از عوامل هم به لحاظ مقام ثبوت ممکن است دخیل باشند ولی نباید دخیل باشند. مثلا عواطف و گرایشات و ذوقیات ما در تکون معرفت آدمی موثر است و دخالت می کند. اینها حقا دخیل هستند ولی نا به حق دخالت می کنند. این عنصر موجب تحریف معرفت ما می شود.

آیت الله رشاد گفت: دسته سومی را نیز می توان فرض کرد که اینها هم دخیل اند. مثلا هر جنبشی در هر جای کیهان رخ دهد چون همه بر هم تاثیر می گذارند، از جمله بر معرفت ما نیز تاثیرگذار است. این دسته دخیل انگاشته می شوند ولی دخیل نیستند و اگر با مماشات آن را دخیل بدانیم باید گفت که به جا دخیل نیست.

### پیام وارگی دین

وی ادامه داد: اصل سوم نظریه می گوید ما بناست در تولید معرفت دینی از دین فهمی را به دست آوریم. دین پیام و رسالت است. در فرآیند پیام رسانی اطراف و عناصری حضور دارند که پیام، مبدا و مقصد و مخاطب و مضمون و ماده ای و وسایلی دارد. آن ماده و محتوایی که در این فرآیند به مخاطب انتقال داده می شود گوناگون است و یکسان نیست و گاه از نوع گزاره است که باید حکایت از واقع کند و گاهی از نوع قضایای انشائی است و قهرا آن چه که به مثابه پیام در این فرآیند از مبدا پیام به مخاطب منتقل می شود چند گونه است و چند نوع مطلب می تواند منتقل شود.

### پنج ضلع فرآیند پیام رسانی

وی افزود: پنج ضلع فرآیند پیام رسانی را ما بر دین تطبیق می کنیم. دین هم یک پیام است که مبدا آن حق تعالی است. پیام گیرنده انسان است و وسائل و وسائلی بستر انتقال پیام از حق تعالی به انسان هستند و مضمونی در این پیام منتقل می شود

ولی ضلع پنجم این است که تعالیم دینی چند گونه هستند که پاره ای از آنها عقائد اند که گزاره هایی هستند که حکایت از واقع می کنند و یا گزاره های علمی اند که آن هم حکایت از واقع دارد یا احکام اند و از نوع باید ها و نبایدها هستند و یا احکام ارزشی هستند و از نوع شایدها و نشایدها هستند. مجموعه مواد پیام دینی را از لحاظ ماهوی می توان به این چهار دسته تقسیم کرد.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی: مجموعه این پنج ضلع در فرآیند پیام گذاری خصوصياتی دارند و اگر بخواهیم دین را به مثابه پیام فهم کنیم باید مختصات و صفات و عناصر سرشتی این اضلاع پنج گانه فرآیند پیام گذاری را لحاظ کنیم. ما اگر بخواهیم پیام خدا را درک کنیم باید بدانیم با چه کسی طرف هستیم. پیام از مبدائی با چه اوصافی صادر شده است. اگر پیام متوجه مخاطب انسان است بدانیم انسان داری چه خصوصیتی است و این سیری که طی شده است و پیام از حق به انسان منتقل شده چه ویژگی هایی دارد و بدانیم ماده و محتوای آنچه به عنوان دین می شناسیم چیست. در نهایت در مواجهه با هر بخش از ماده دین، خصوصیات آن دسته از معارف را درک کنیم و آنها را در فرآیند فهم لحاظ کنیم.

وی ادامه داد: به عنوان مثال اگر بخواهیم یک غزل حافظ را بفهمیم باید بدانیم حافظ چگونه شخصیتی است. اگر فکر کنید که حافظ فردی لالایی و شرابخواره ای بوده است کلمات او را به معانی خاصی در نظر می گیرید. اما اگر بدانید حافظ عارف و عالم و مقید به شرع بوده است کلمات او را طور دیگری تفسیر می کنید.

وی گفت: در مسائل دین هم همینطور است. اگر بدانیم مبدء دین حکیم است و عقل را حجت قرار داده است و خطاب به انسان عاقل آمده است و به همین اعتبار او را مسئول انگاشته است و آنچه ابلاغ می کند حکیمانه است و در نهایت اگر ما عنصر عقل را در این فرآیند لحاظ نکنیم که در همه مراتب وجود دارد، با دین طور دیگری برخورد می کنیم.

### چگونه به معرفت صحیح از دین دست پیدا می کنیم؟

آیت الله رشاد ادامه داد: اصل چهارم و آخرین اصل هم این است که می خواهیم بگوییم که اگر ما بتوانیم عوامل و عناصر دخیل در تکنون معرفت دینی را به درستی تشخیص بدهیم و از آن سه دسته فرضی دخیل، بتوانیم عوامل حقا دخیل و به حق دخیل را درست تشخیص دهیم و آنها را درست به کار ببندیم به معرفت صحیح از دین دست پیدا می کنیم. اگر بتوانیم عوامل هرچند دخیل اما نابه حق دخیل را مدیریت کنیم که در فهم ما دخالت نکنند و جلوی تخریب های معرفتی این عوامل را بگیریم معرفت ما از خطا مصون می شود.

وی گفت: اگر ما بتوانیم مبادی دخیل در تکنون معرفت را در مقام شناخت به طور صائب و جامع بشناسیم و در مقام کاربرد صائب و جامع به کار ببندیم، معرفت دینی صائب و جامع به دست می آید.

این استاد حوزه و دانشگاه گفت: این نظریه می خواهد در جواب نظریه هایی که می گویند معرفت مدیریت پذیر نیست و عوامل دخیل به دست ما نیست و لاجرم دخالت می کنند، باشد و آن ها را نقد کند و امکان معرفت دینی و روشمند بودن آن را اثبات می کند.

وی ادامه داد: البته باید گفت که باز هم خطا امکان دارد و چه بسا ما مبادی موثر در معرفت دینی را جامع و کامل بشناسیم اما جامع و صائب به کار نیندیم.

وی در پایان گفت: اینکه برخی چیزی مثل قرائت پذیری دین را به دست می آورند و می گویند دین صامت است، این ما هستیم که به او معنا تلقین می کنیم، معرفت ما بازتاب خواهش های ما و نفسانیات ما و پیش داشته های ماست و عوامل معرفتی و غیر معرفتی ناشناخته و شناخته مدیریت ناپذیری در معرفت دخیل هستند، به این معنی خواهد بود که ما هیچ وقت امید نداریم که معرفت دینی درستی داشته باشیم.

آیت الله رشاد گفت: ما می توانیم با نگاه پیشینی به این نظریه نگاه کنیم و بگوییم چگونه به دنبال منابع دین برویم که بتوانیم به معرفت صحیح دست پیدا کنیم. و در عین حال می شود پسینی نگاه کرد یعنی معرفت های موجود را به گونه ای تحلیل کنیم که بدانیم کدام غلط و کدام صحیح هستند.

### این نظریه چه معضلی را می خواهد حل کند؟

در ادامه عبدالله نصری به ارائه نقدهای خود به این نظریه پرداخت. وی گفت: پرسش اساسی ای که در مورد این نظریه مطرح می شود این است که این نظریه به دنبال چیست و چه معضلی را می خواهد حل کند؟ آیا ما می توانیم چیز واحدی را به عنوان معرفت دینی ارائه دهیم؟ باید پرسید آیا معرفت عالمان دینی ما یکی است؟ دین دارای اجزای مختلفی است و پیام دین را می توان به صورت مختلف تقسیم کرد. بحث این است که در هر کدام از این مباحث اختلاف در فهم ها را شاهد هستیم.

وی ادامه داد: به عنوان مثال در قضایای مشروطه، مشروعه خواهان یک فهم از دین و مشروطه خواهان فهم دیگری از دین دارند. اساس در اختلاف فهم هاست.

نصری گفت: قضیه قبض و بسط تئوریک شریعت به این خاطر مطرح شد که اختلاف در فهم ها را چه باید کرد؟ ما با فهم های مختلف عالمان دین مواجه هستیم.

وی افزود: نکته بعدی این است که در سیره علمای دین این چهار اصل مطرح شده وجود داشته است و آنها در روش خود اینگونه عمل کرده اند؟

این استاد دانشگاه گفت: مولف می خواهد مراحل تکوین معرفت دینی و یا شاخصه های تحول معرفت دینی را مشخص کند؟ مولف بر اولی تاکید دارد ولی وارد منطق فهم دین می شود. وقتی گفته می شود عوامل به حق یا نابه حق را درست به کار

بیندیم این مسئله مطرح می شود که مولف وارد منطق فهم دین شده است.

وی ادامه داد: در مثالی که در مورد حافظ زده شد باید گفت که در فهم هر متنی چه تئوری ای وجود دارد؟ آیا مولف محور است یا متن محور و یا خواننده محور؟ در مثال حافظ می توان هر کدام از این سه نوع را در نظر گرفت ولی در منطق فهم دین تنها مولف محوری ملاک است. ما در متون مختلف آزادی عمل داریم ولی در متون دینی این آزادی عمل وجود ندارد و باید به دنبال قصد شارع باشیم.

وی در پایان گفت: نکته دیگر اینکه در تکوین معرفت عوامل بسیاری دخیل هستند و آن عواملی که به ناحق دخیل می دانیم ممکن است با پیش فرض های دیگری دخیل و به حق دخیل قلمداد شود.

### **معرفت دینی در عصر ما دچار انسداد شده است**

در ادامه حجت الاسلام قائمی نیا به ارائه نقد خود به این نظریه پرداخت، وی گفت: معرفت دینی در عصر ما دچار انسداد شده است. امیدوارم به این انسداد غلبه کنیم.

وی گفت: سوال اول این است که این نظریه چه مسئله ای را می خواهد حل کند؟ مسئله به طور روشن مشخص نیست. صورت مسئله جامعه شناسی معرفت است و می خواهد عوامل دخیل در تکوین معرفت را مشخص کند. اما معرفت شناسی با جامعه شناسی با جامعه شناسی معرفت تفاوت دارد. جامعه شناسی معطوف به زمینه های معرفت می شود ولی معرفت شناسی با مسائلی مانند صدق و ارزیابی سر و کار دارد. لذا چگونه می توان این دو را به هم گره زد؟ چگونه می توان از بررسی نحوه تکوین معرفت دینی به این برسیم که کدام نظریه قابل پذیرش است؟

قائمی نیا ادامه داد: عوامل مختلفی می تواند در تکوین یک معرفت دخیل باشد. از عوامل نا به حق می توان نمونه هایی را مثال زد که یک معرفت مفید را به دست داده است. یعنی ممکن است با عوامل نادرست یک معرفت درست به دست داد و بالعکس.

وی گفت: مولف معرفت دینی را برآیند فرآیند می بیند. ویژگی اصلی روش علمی در هر مسئله ای نظام مندی است ولی وقتی نگاه فرآیندی داریم، این فرآیند بیشتر نگاهی جامعه شناختی است. اگر چنین باشد مهار اصول فهم از دست محقق خارج است، همان طور که در هرمنوتیک فلسفی نیز این امر مطرح است.

وی افزود: لذا فرآیند به معنای عوامل غیر معرفتی است و مهار آن از دست محقق خارج است و متد بر نمی دارد. اگر هم ضابطه مند باشد نمی توان آن را با عوامل غیر معرفتی گره زد.

### **اصل نظریه ابهام دارد**

حجت الاسلام عرب صالحی دیگر منتقد این جلسه بود. وی در آغاز بیان داشت: اشکال اول این است که اصل نظریه ابهام دارد و مشخص نیست که این نظریه درصدد تبیین فلسفه دینی موجود است و یا مطلوب. اگر درصدد تبیین فلسفه دینی مطلوب است پی در این صورت استقرا نمی تواند نتیجه بخش باشد.

وی گفت: اشکال دوم این است نتیجه مبادی خمسه و آن اضلاع پنج گانه مشخص نشده است و می شد در این خصوص مثال هایی زد.

وی افزود: سوال بعدی این است که آیا این مبادی برای اجتهاد است و یا مطلق فهم دین؟ اجتهاد اخص از فهم دین است. عرب صالحی ادامه داد: مبادی خمسه جز معرفت دینی است. ما از کجا می خواهیم خدا را بشناسیم؟ حرف من این است که خود این مبادی دین شناختی است و جز معرفت دینی محسوب می شود.

وی در پایان گفت: این سوال مطرح است که ما کدام انسان را می خواهیم مبدا قرار دهیم؟ قطعاً انسان از منظر اسلام مطرح است و این را باید از خود دین اخذ نمود. لذا پیشا دینی دانستن این موضوعات درست نیست. حقیقت وحی را از کسی غیر از پیامبر نمی توان دریافت نمود لذا دین شناختی را از دین می توان گرفت.